

## جایگاه سازمان کنفرانس اسلامی در آفریقا و نقش کشورهای آفریقائی مسلمان

محمود عبداللهی\*

### چکیده

سازمان کنفرانس اسلامی بعنوان یک سازمان شناخته شده مهمترین تشکل کشورهای اسلامی بشمار می رود و مجموعه گسترده ای از کشورهای اسلامی را گرد هم آورده و بزرگترین سازمان بین المللی بعد از سازمان ملل متحد محسوب می گردد و بطور بالقوه قدرت عظیمی چه از بعد سیاسی اقتصادی و فرهنگی را بوجود آورده است.

مجموعه کشورهای آفریقائی عضو این سازمان درصد قابل توجهی از اعضاء آنرا تشکیل می دهند و علیرغم اینکه غالب آنها صرفاً بمنظور کسب مساعدت اقتصادی و یاری گرفتن از اراء، امکانات و حمایت دیگر کشورهای اسلامی در رفع برخی مشکلات خود، به عضویت این سازمان در آمده اند، لکن برخی دیگر از کشورهای آفریقائی نقش بسزائی در افزایش اعتبار جایگاه سازمان کنفرانس اسلامی در کمک به حل و فصل بحرانهای منطقه ای و بین المللی و در کنار سازمان ملل متحد، داشته و دارند.

مقاله حاضر، به اجمال به معرفی سازمان کنفرانس اسلامی، نقش این سازمان در کشورهای آفریقائی و اشتیاق و سابقه فعالیت این دسته از کشورهای عضو در این سازمان و در میان سایر کشورهای اسلامی و نیز به برخی مشکلات در روابط اقتصادی کشورهای آفریقائی با سازمان و با دیگر کشورها می پردازد. سپس به برگزاری دهمین اجلاس سران

\* کارشناس اداره امور سیاسی جندجانبه وزارت امور خارجه

کشورهای اسلامی و اجلاس آتی (یازدهم) این سازمان که در سنگال بعنوان یک کشور آفریقانی مسلمان برگزار خواهد شد، اشاره می نماید.

### مقدمه

آنچه که فرماندهان اسلامی در صدر اسلام توانستند به مردمی که در آفریقای آن زمان می زیستند ارایه دهند، تنها گردن نهادن به فاتحی بیگانه نبود، بلکه نوید عضویت در اجتماعی گسترده و نو، یعنی «امت اسلامی» بود که در گستره آن همه انسانها می توانستند از شأن و ارزشی برابر برخوردار باشند. گذشته از دستاوردهای سیاسی و مذهبی و تعالیم اسلام، تسهیلات بازرگانی و اقتصادی که تأثیری مستقیم و چشمگیر در وضعیت زندگی مردم بدوی آفریقایی داشت از جمله مهمترین انگیزه آنان در گرویدن به اسلام بود. لذا اسلام می تواند مدعی به ارمغان آوردن فرصتها، امکانات و نعمات بسیاری برای آفریقا باشد. هم اینک در قاره آفریقا ۲۷ کشور اسلامی که در آنها اسلام دین رسمی کشور معرفی شده است به عضویت «سازمان کنفرانس اسلامی» در آمده اند، که در همکاری و همگرایی میان جمیع کشورهای اسلامی عضو نقش بسزایی داشته اند.<sup>(۱)</sup>

### سازمان کنفرانس اسلامی و عوامل تاسیس آن

در دهه ۶۰ میلادی مسلمانان شاهد رویدادهای تلخی بودند. این رویدادها، هریک و به نوبه خود می توانست موجب ایجاد تنشهایی در میان مسلمانان و یا تحرکاتی در پایتخت های اسلامی شود. یکی از این رخدادها، درگیری چهار ارتش مصر، سوریه، اردن و لبنان در جنگ ۶ روزه با رژیم صهیونیستی در ماه ژوئن سال ۱۹۶۷ بود که به شکست اعراب انجامید. ارتش رژیم صهیونیستی موفق شد طی مدت کوتاهی، صحرای

سینا را از مصر، ارتفاعات جولان را از سوریه، کرانه باختری و بخش شرقی بیت المقدس را از اردن به اشغال خود در آورد. این شکست نظامی دولتهای اسلامی خصوصا دولتهای عربی درگیر با مساله فلسطین را با بحرانهای سیاسی فزاینده مواجه ساخت که استعفای جمال عبدالناصر، طراح اصلی این جنگ را به دنبال داشت.

رویداد تلخ دیگر در این دهه، آتش سوزی عمدی "مسجدالاقصی"، اولین قبله مسلمانان جهان توسط یک صهیونیست<sup>۱</sup> (۱۸ اگوست ۱۹۶۹) بود. در واکنش به این حادثه میلیونها مسلمان در سرزمینهای اشغالی و کشورهای اسلامی آتش سوزی در "الاقصی" را به رژیم صهیونیستی نسبت دادند و آن را آغاز یک توطئه حساب شده از سوی این رژیم، علیه مقدسات جهان اسلام قلمداد کردند.

ایران نخستین کشور اسلامی بود که نسبت به حریق مسجدالاقصی عکس انعمل نشان داد و اعلامیه‌ای را در این خصوص صادر نمود. با پیشگامی سران کشورهای اسلامی ایران، عربستان و مراکش راههای موجود برای ایجاد سازمانی با معیارهای اسلامی بررسی شد و نهایتاً "پس از تشکیل یک کمیته مقدماتی در سطح وزرای امور خارجه از کشورهای ایران، پاکستان، سومالی، مالزی، نیجر و مغرب، اولین کنفرانس اسلامی از ۳۱ شهریور تا ۳ مهرماه ۱۳۴۸ در شهر رباط پایتخت کشور مغرب تشکیل گردید. بدین ترتیب سازمان کنفرانس اسلامی با مساعی برخی از دولتهای اسلامی در قالب یک نهاد بین‌المللی و براساس حقوق سیاسی اسلامی شکل گرفت.

در منشور سازمان کنفرانس اسلامی که معیار فعالیت‌های آن بشمار می رود، ضمن برشمردن اهداف سازمان به تعابیری نظیر "همبستگی کشورهای اسلامی"، "تفاهم" و "همکاری" نیز تأکید شده است، به عبارت دیگر، از جمله اهداف اساسی سازمان

<sup>۱</sup> رژیم صهیونیستی این عمل را به یک جهانگرد استرالیایی بنام "روهین" نسبت داد و با اعلام اینکه وی بیماری روانی دارد، هرگز مورد مجازات قرار نگرفت.

کنفرانس اسلامی افزایش همبستگی اسلامی میان کشورهای عضو و حمایت از همکاریهای فیما بین این کشورها در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی است. بطوریکه در حال حاضر و پس از گذشت بیش از سی سال از تأسیس سازمان، دامنه فعالیت آن هم اکنون موضوعات مختلف حقوقی، تشکیلاتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی را نیز در بر گرفته و موضوعات مطرح در سازمان به بیش از یکصد و هفتاد مورد رسیده و اعضاء آن نیز از ۲۵ کشور در بدو تأسیس، به ۵۷ کشور افزایش یافته است. هم اینک بزرگترین سازمان بین المللی بعد از سازمان ملل متحد محسوب می گردد و با توجه به منابع کشورهای اسلامی، بطور بالقوه قدرت عظیمی چه از بعد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را بوجود آورده است. سازمان کنفرانس اسلامی دارای چهار رکن اصلی است:

۱. اجلاس سران کشورهای عضو سازمان شامل رؤسای جمهور و پادشاهان؛

۲. اجلاس وزیران امور خارجه؛

۳. دبیرخانه کل مستقر در جده؛

۴. دادگاه بین المللی عدل اسلامی<sup>۱</sup>؛

از بدو تأسیس سازمان کنفرانس اسلامی ۱۰ اجلاس سران (هر اجلاس به فاصله ۳ سال برگزار می شود) و ۳۰ اجلاس وزرای امور خارجه (سالانه) برگزار شده است. کشورهای آفریقای عضو سازمان کنفرانس اسلامی نقش عمده ای در این سازمان داشته اند. از جمله در برگزاری و میزبانی اجلاس ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- نخستین اجلاس سران در سپتامبر ۱۹۶۹ در رباط پایتخت مراکش؛

<sup>۱</sup> پس از تصویب تأسیس آن در اجلاس سوم سران هنوز تشکیل نشده است.

- اجلاس چهارم وزرای خارجه در مارس ۱۹۷۳ و اجلاس هشتم وزرای خارجه در می ۱۹۷۷ در لیبی؛

- اجلاس نهم وزرای خارجه در آوریل ۱۹۷۸ در داکار پایتخت سنگال؛

- اجلاس دهم وزرای خارجه در می ۱۹۷۹ در مراکش؛

- اجلاس سیزدهم وزرای خارجه در اوت ۱۹۸۲ در نیامی پایتخت نیجر،

- اجلاس چهارم سران در ژانویه ۱۹۸۴ در مراکش؛

- اجلاس پانزدهم وزرای خارجه در دسامبر ۱۹۸۴ در یمن؛

- اجلاس شانزدهم در مراکش ژانویه ۱۹۸۶؛

- اجلاس نوزدهم وزرای خارجه در اوت ۱۹۹۰ در قاهره - مصر؛

- اجلاس هفتم سران در دسامبر ۱۹۹۵ در کوناکری - گینه؛

- اجلاس بیست و ششم در بورکینافاسو ۱۹۹۹؛

- اجلاس بیست و هشتم در باماکو - مالی ۲۰۰۱؛

- اجلاس بیست و نهم در خارطوم - سودان ۲۰۰۲.

اجلاس سی ام وزرای امور خارجه در خرداد ماه ۱۳۸۲ در تهران برگزار گردید.

یازدهمین اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، طبق مصوبه اجلاس

دهم آن در سال ۲۰۰۶ در داکار پایتخت سنگال برگزار خواهد شد. (۲)

### کشورهای آفریقائی و احراز پست دبیرکلی سازمان کنفرانس اسلامی

دبیران کل سازمان کنفرانس اسلامی از بدو تاسیس تا کنون عبارتند از:

- تنکو عبدالرحمن                      مالزی                      از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳
- حسن تهامی                              مصر                        از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۵
- احمد کریم جای                      سنگال                    از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹

- حبیب شطی تونس از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۴
- شریف الدین پیرزاده پاکستان از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۸
- حامد الغابد نیجریه از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۶
- عزالدین العراقی مغرب از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰
- عبدالواحد بالقزیز مغرب از سال ۲۰۰۰ تا ...

دوره دبیرکلی در سازمان کنفرانس اسلامی سه سال است و تمدید آن برای یکبار بلامانع می باشد. دبیرکل با اجماع کشورهای عضو و در اجلاسهای وزارای امور خارجه، به نوبت از مناطق جغرافیایی کشورهای عضو تعیین می گردد. تاکنون کشورهای آفریقایی سهم عمده ای در هدایت و مدیریت سازمان در مقام دبیرکل داشته اند. در آستانه اتمام دوره دبیرکلی کنونی (دکتر عبدالواحد بالقزیز از مغرب) و تلاش مجموعه کشورهای آسیایی عضو سازمان (که نوبت اعطای پست دبیرکلی دوره آینده سازمان از این حوزه می باشد)، اجلاس بعدی وزارای امور خارجه سازمان یعنی اجلاس سی و یکم در استانبول (خرداد ماه ۱۳۸۳ - ترکیه) شاهد انتخاب دبیرکل جدید خواهد بود. بنگلادش، مالزی و احتمالاً ترکیه از نامزدهای احراز این پست می باشند.

### سازمان کنفرانس اسلامی و تلاش برای رفع مشکلات کشورهای عضو

سازمان کنفرانس اسلامی بعنوان تنها مرجع کشورهای اسلامی که مشکلات مبتلابه امت اسلامی را مورد بررسی قرار می دهد همواره تأمین کننده منافع مسلمانان در کشورهای اسلامی است. در قطعنامه های سازمان کنفرانس اسلامی موضوعات سیاسی، اقتصادی فرهنگی و اجتماعی موارد بسیاری وجود دارد که به مسایل مختلف کشورهای آفریقایی می پردازد. از این جمله می توان به موضوعات زیر اشاره نمود:

”وضعیت در سومالی، رفع تحریم علیه لیبی، وضعیت سیاسی در سیرالئون، وضعیت سیاسی در کومور، همبستگی با جمهوری سودان، حمله آمریکا به کارخانه داروسازی در خارطوم - وضعیت اقتصادی در آفریقا، همبستگی با مردم ساحل، بازسازی و توسعه منطقه شمالی مالی، همبستگی با جمهوری گینه، تجاوز علیه جمهوری گینه، مشکلات اقتصادی کشورهای کمتر توسعه یافته، کمک های اقتصادی به کشورهای: سومالی، گینه، سیرالئون، اوگاندا، یمن، سودان - جیبوتی. موضوعات مربوط به دانشگاه اسلامی در نیجر، اوگاندا و تونس، و مراکز فرهنگی در چاد، مالی، کومور و سودان. همچنین بسیاری از موضوعات عمومی که کشورهای آفریقایی را نیز در بر می دارد، نظیر: پناهندگان، حقوق بشر، علوم و تکنولوژی، تروریسم، خلع سلاح، امنیت و همبستگی، حفظ و صیانت از حقوق اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیراسلامی، و نیز موضوع همکاری سازمان کنفرانس اسلامی با سازمانهای بین‌المللی همچون اتحادیه آفریقا“.

در موارد خاص نیز سازمان کنفرانس اسلامی بطور فعال به ایفای نقش خود برای احقاق حقوق امت اسلامی و کشورهای عضو در پاره ای از مشکلات و اختلافات با کشورهای غیرعضو پرداخته و به مناسبت‌های مختلف و در پی تحولات گوناگون موضع سازمان و کشورهای اسلامی را اعلام نموده است، که عمده‌ترین آنها طی سال‌های در خصوص موضوع فلسطین و رژیم صهیونیستی، عراق، افغانستان، تروریسم، مقابله با مخدوش نمودن چهره اسلام و مسلمان به بهانه مبارزه علیه تروریسم در جهان غرب، و دیگر موضوعات مبتلا به همه یا برخی از کشورهای عضو بوده است.<sup>(۳)</sup>

### مناقشه میان مراکش و اسپانیا:

موضوع اخیر اختلاف میان مراکش و اسپانیا بر سر جزیره لیلی در سال گذشته از جمله موارد خاص یک کشور آفریقایی عضو میباشد که به عکس العمل سازمان و اتخاذ موضع آن انجامید.

دبیرخانه سازمان کنفرانس اسلامی در تاریخ ۱۳۸۱/۴/۲۶ بیانیه ای را در مورد تحولات اخیر در رابطه با جزیره لیلی که به اختلافات میان مغرب و اسپانیا دامن زده است، منتشر نمود. در این بیانیه به مواضع دکتر عبدالواحد بلقزیز دبیرکل سازمان در این خصوص، مواضع حمایتگرانه از مغرب و اعتراض علیه اقدامات قهر آمیز دولت اسپانیا و موضعگیری بدون توجیه اتحادیه اروپائی اشاره شده است. در این بیانیه دبیرکل سازمان، قویا از مغرب و اقدامات آن کشور در جزیره مزبور حمایت کرده و اقدامات آن کشور را در راستای تحرکات ضد تروریستی و جلوگیری از قاچاق مواد مخدر و مهاجرت‌های غیر قانونی که از الویتهای اعلام شده اتحادیه اروپائی بر شمرده می‌شود، دانسته است.

در تاریخ ۱۳۸۱/۴/۲۷، دبیرخانه سازمان کنفرانس اسلامی با بالا گرفتن اختلافات مغرب و اسپانیا دومین بیانیه خود را نیز صادر نمود در این بیانیه بر ضرورت حل تمامی اختلافات از راه گفتگو و راه‌حلهای صلح آمیز تاکید شده است و تعجب سازمان را از اشغال جزیره لیلی توسط نیروهای مسلح اسپانیا اعلام داشته و خواستار عقب نشینی این نیروها گردیده است. همچنین تاکید گردیده که راه حل واقعی این مناقشه را می‌باید از طریق مذاکرات، با در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی و تاریخی این جزیره کوچک مغربی جستجو نمود. مطبوعات و رسانه‌های مختلف عربی در ابتدا در خصوص موضعگیری دبیرکل سازمان حمایت و همبستگی خود را با او اعلام نمودند، لکن با برخورداری بیانیه دوم از لحنی آرامتر نسبت به بیانیه اول، محافل عربی و بین‌المللی نیز موضع ملایم تری را اتخاذ نمودند.

**مهمترین کمیته‌ها و گروه‌های تماس سازمان کنفرانس اسلامی و کشورهای**

**آفریقایی عضو آنها**

۱. شورای امنای صندوق الاقصی و صندوق انتفاضه قدس: (مصر، عربستان، اردن،

فلسطین، سوریه، لبنان و مغرب)



۲. کمیته فلسطین (پاکستان، گینه، سنگال، فلسطین، مالزی)
۳. کمیته قدس (مغرب، ایران، عربستان، فلسطین، سوریه، لبنان، اردن، عراق، پاکستان، بنگلادش، موریتانی، گینه، اندونزی، نیجر و مصر)
۴. کمیته بیت المال قدس متشکل از وزرای دارایی (مغرب، ایران، عربستان، فلسطین، سوریه، لبنان، اردن، عراق، پاکستان، بنگلادش، سنگال، موریتانی، گینه، اندونزی، نیجر و مصر)
۵. هیئت امنای بیت المال قدس (فلسطین و مغرب، ایران، عربستان، سنگال)
۶. کمیته مربوط به ارائه دو سند گفتگوی تمدن ها به سازمان ملل (به انجام رسید) (ایران، تونس، عربستان، سنگال، گینه، قطر، مالزی، مصر، مغرب و امارات)
۷. گروه تماس سازمان برای سیرالئون: (مالزی، ایران، عربستان، کویت، مصر، نیجریه، گینه، سیرالئون)
۸. گروه تماس سومالی (قطر، ایران، عربستان، کویت، مالزی، امارات، ترکیه، برونی دارالسلام، مصر، سودان، جیبوتی، گابن، لیبی، یمن)
۹. نهاد نظارت مالی بر سازمان (بورکینافاسو، نیجریه، پاکستان، مالزی، امارات، سودان، لیبی، عربستان)
۱۰. شورای مشورت اجرایی استراتژی فرهنگی جهان اسلام (ایران، عربستان، مغرب، مصر، مالزی، اندونزی، سنگال، مالی، بورکینافاسو)
۱۱. کمیته فیلیپین (لیبی، عربستان، سومالی، سنگال، اندونزی، بنگلادش، مالزی و برونی دارالسلام)
۱۲. شورای صندوق همبستگی اسلامی (ISF) (عربستان، امارات، لیبی، کویت، اردن، مغرب، سنگال، بورکینافاسو، پاکستان، مصر، قطر، ترکیه، فلسطین)
۱۳. کمیته پیگیری کومسک، کمیته دائمی همکاری اقتصادی و بازرگانی (COMCEC) (ترکیه، عربستان، سوریه، بورکینافاسو، پاکستان، کویت، اندونزی و اوگاندا)

۱۴. کمیته اجرایی کومستک یا کمیته دائمی همکاری علمی و فن آوری (COMSTECH) (بنین، سودان، بحرین، امارات، پاکستان، ازبکستان)
۱۵. کمیته پیگیری وزرای اطلاع رسانی (ایران، تونس، عربستان، سوریه، عمان، قطر، فلسطین، کویت، سنگال، مازری)
۱۶. هیئت مدیره مجمع فقه اسلامی (ایران، عربستان، مغرب، امارات، نیجر، اندونزی، چاد، مالزی)
۱۷. کمیته همبستگی اسلامی با مردم ساحل (گامبیا، سنگال، چاد، بورکینافاسو، مالی، نیجر، موریتانی، گینه بیسائو)
۱۸. کمیته امنیت و همبستگی کشورهای اسلامی (ایران، بنگلادش، کامرون، مصر، گینه، اندونزی، کویت، مغرب، نیجر، پاکستان، عربستان، سنگال، سوریه، ترکیه و اوگاندا)
۱۹. هیئت مدیره اجرایی بانک توسعه اسلامی (IDB) (ایران، یمن، کویت، مالی، گینه، عربستان، برونی دارالسلام، آذربایجان، ترکیه، امارات، لیبی، بنگلادش، اردن، مصر)

## نقش سازمان کنفرانس اسلامی در ارتقاء سطح اقتصادی کشورهای آفریقایی عضو آن

در میان کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، روابط بین اسلامی بسیار قوی تر از روابط تک تک واحدها و مجموعه های جغرافیایی در درون خود می باشد، نحوی که می توان این روابط را حاکم بر اختلافات و نارسایی ها و ضعف های تک تک این مجموعه ها دانست. در مجموعه کشورهای آفریقایی، عدم آگاهی به پشتوانه مردمی موجب وابستگی سیاسی و اقتصادی آنان به قدرت های بزرگ شده است.

نظر به اینکه کشورهای آفریقایی از نظر ساختار اقتصادی به کشورهای استعمارگر سابق وابسته اند، از نظر توسعه اقتصادی در سطح نازلی قرار دارند. از میان

کشورهای آفریقایی کمتر توسعه یافته و فقیر می‌توان به کشورهای: "بنین - بوركینافاسو - چاد - کومور - جیبوتی - گینه بیسائو - گامبیا، - گینه - مالدیو - مالی - موریتانی - موزامبیک - نیجر - سنگال - سیرالئون - سومالی - سودان - توگو - اوگاندا - یمن و عضو ناظر: آفریقای مرکزی" که همگی عضو سازمان کنفرانس اسلامی هستند، اشاره کرد. ولذا نیازهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در این دسته از کشورهای عضو بسیار بیشتر از سایر کشورها می‌باشد و انگیزه عضویت این گروه از کشورها در سازمان کنفرانس اسلامی را می‌توان در خصوص همین نیازهای اقتصادی جستجو نمود. قطعنامه‌های مربوط به مساعدت به وضعیت اقتصادی کشورهای آفریقایی در سازمان کنفرانس اسلامی مؤید و نمایانگر تلاش سازمان در این رابطه است.

این وضعیت در کشورهای آفریقایی، نفوذ قدرت‌های استعمارگر امروز خصوصاً آمریکا و رژیم صهیونیستی را در آفریقا بیشتر می‌نماید. بطوری که اینک مشخص است رژیم اسرائیل بر روابط خود با آفریقا اهمیت ویژه‌ای قایل است و در این راستا تلاش‌های بسیاری را مصروف می‌دارد. بنابراین، ایفای نقش سازمان کنفرانس اسلامی و مساعدت سایر کشورهای عضو در این مجموعه می‌تواند باعث جلوگیری از نفوذ رژیم صهیونیستی در آفریقا و فراتر از آن مقابله با این رژیم گردد.

سازمان کنفرانس اسلامی مجمع مهمی است که کشورهای اسلامی منجمله کشورهای آفریقایی می‌توانند از آن بهره‌جویند و تفاهم و همکاری بین یکدیگر را تحکیم نمایند. بهمین ترتیب سازمان‌ها و کمیته‌های گوناگون ایجاد گردیده است که برنامه‌ها و فعالیت‌هایی را در زمینه‌های خاص تعقیب می‌نمایند. از سوی دیگر، سازمان‌های اقتصادی

---

۱ سفر کالین پاول، وزیر خارجه سیاه پوست دولت جورج بوش، به کشورهای مالی، اوگاندا، کنیا و آفریقای جنوبی از تاریخ ۲۳ تا ۲۸ می ۲۰۰۱ نشان داد که قاره آفریقا در سیاست خارجی جورج بوش نیز جایگاه مهمی را احراز کرده است.

منطقه‌ای متشکل از کشورهای عضو نیز نقش خود را برای پیشبرد تجارت، سرمایه‌گذاری و سایر فعالیت‌های اقتصادی در سطح منطقه و زیر منطقه ایفا می‌نمایند. هدف از ایجاد این سازمان‌ها امکانات مکمل است که به سبب نزدیکی جغرافیایی ممکن است وجود داشته باشد.

این اعتقاد نیز وجود دارد که بازارهای منطقه‌ای می‌توانند تولید اقتصادی در مقیاس عظیم و نتیجتاً کاهش هزینه‌ها را میسر نموده و کشورهایی که در سطوح پایین تری از توسعه صنعتی هستند را قادر سازند که با کشورهای صنعتی تر رقابت نمایند. سازمان کنفرانس اسلامی می‌تواند نقش مهمی در کانالیزه کردن تجارب موفق اقتصادی یک منطقه به منطقه دیگر ایفا نماید. تلاش‌های بانک توسعه اسلامی<sup>۱</sup> که تنها کشورهای عضو سازمان می‌توانند از امکانات آن استفاده نمایند، در پیشبرد همکاری اقتصادی از طریق سازمان کنفرانس اسلامی و تقویت موسسات اقتصادی منطقه بسیار چشمگیر می‌باشد. «حمات از رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، مشارکت در تامین هزینه پروژه‌های تولید و اعطای کمک‌های مالی جهت توسعه اقتصادی اجتماعی کشورهای عضو از جمله اهداف و وظایف بانک توسعه اسلامی است». بانک توسعه اسلامی از بدو تأسیس (سال ۱۹۷۵)، درخصوص گسترش طرح‌های زیربنایی در کشورهای اسلامی با افزایش حجم اعتبارات و اعطای وام به کشورهای عضو، آنها را به سرمایه‌گذاری بیشتر در امور زیربنایی تشویق می‌نماید.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> Islamic Development Bank (IDB).

<sup>۲</sup> جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸ به عضویت بانک توسعه اسلامی و در سال ۱۳۷۰ به عضویت شورای مدیران اجرائی آن انتخاب گردید.

با آنکه بخش وسیعی از نیازهای کشورهای اسلامی به وسیله مبادله بین خودشان قابل تأمین است، معهذا متأسفانه هنوز نتوانسته‌اند با اولویت دادن به مبادلات میان خود از وابستگی و واردات از کشورهای غیراسلامی بکاهند. تشکیل بازار مشترک اسلامی از جمله راهکارهای مقابله با چالش‌های پیش روی امت اسلامی است.

همچنین هماهنگی و همکاری میان سازمان‌های منطقه‌ای متشکل از کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، نظیر اکو، شورای همکاری خلیج فارس و نیز اتحادیه مغرب عربی و اتحادیه اقتصادی پولی غرب آفریقا با هدف ارتقاء سطح همکاری‌ها، به‌مراه هماهنگی در خصوص تعرفه‌های تجاری و برای تشکیل منطقه آزاد تجاری بین کشورهای اسلامی (گام‌های اولیه مربوط به ایجاد بازار مشترک اسلامی) نیز از دستاوردهای سازمان کنفرانس اسلامی در بخش اقتصادی بوده است. اقدام در جهت تأسیس شرکت کشتیرانی اسلامی و تأسیس آن جهت هماهنگی و همکاری بین ناوگان‌های کشتیرانی اسلامی، کمک به کشورهای محصور در خشکی در آفریقا، برگزاری نمایشگاه‌های بازرگانی برای معرفی کالاها و خدمات کشورهای عضو و تشویق صادرات و واردات بین اعضا و کمک مالی بانک توسعه اسلامی به کشورهای بحران زده اسلامی از جمله اقدامات سازمان می‌باشد. علیرغم تلاش‌های بعمل آمده از سوی سازمان کنفرانس اسلامی و اقداماتی که برای تسهیل امر تجارت و همکاری‌های اقتصادی میان اعضا صورت پذیرفته است، هنوز بدلائل مختلف این هدف به شکلی که برآورنده انتظارات می‌باشد محقق نشده است. اولین عامل که اساس تمامی موانع دیگر محسوب می‌شود، موضوع اعتمادسازی و ایجاد اعتماد میان سران کشورهای اسلامی است که از تفاوت دیدگاه‌ها سیاسی و نیز وجود مشکلات و اختلافات میان آنها در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، مرزی، فرهنگی و در مواردی دیدگاه عقیدتی ناشی می‌شود. تفاوت سطح توسعه اقتصادی کشورهای عضو مجموعه‌ای از کشورهای عقب مانده و در حال توسعه پیشتاز را گرد هم آورده و انسجام لازم را از بین برده است. همچنین عدم شفافیت کشورهای عضو از امکانات و

توانمندی‌های یکدیگر بدلیل ضعف سیستم اطلاع رسانی ضعیف در این کشورها منجر به هدر رفتن بسیاری از فرصت‌های بازرگانی بین کشورهای اسلامی شده و جهت‌گیری تجارت را به سمت مبادلات با کشورهای خارج مجموعه سوق می‌دهد. در خصوص فرایند جهانی شدن و آثار مترتب بر کشورهای، قابل ذکر است که جهانی شدن و نظام اقتصادی بین‌المللی خواهد توانست فرصت‌های تازه‌ای را برای تمام کشورهای در حال توسعه من جمله کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به ارمغان بیاورد و اقتصاد آنان را تحت تاثیر قرار دهد. لکن با این وجود، می‌باید اقدامات مؤثر برای کاهش تاثیرات منفی نظام اقتصادی بین‌المللی بر اقتصاد کشورهای عضو بعمل آید و روشهایی که متضمن منافع جهان اسلام در روند جهانی شدن باشد، بکار گرفته شود. می‌بایست برای مجاب نمودن همکاری اقتصادی میان کشورهای عضو بویژه در عرصه‌های تجارت، سرمایه‌گذاری و بازارهای سهام و فن‌آوری تلاش نمود تا بدینوسیله دستیابی به هدف اساسی "تاسیس بازار مشترک اسلامی" که از جمله طرح‌های پیشنهادی جمهوری اسلامی ایران در دوران ریاست بر سازمان بوده است، میسر گردد. (۴)

### اشتیاق کشورهای آفریقایی مسلمان و یا دارای اقلیت مسلمان برای عضویت در سازمان کنفرانس اسلامی و شرایط اعطای عضویت به کشورها

از میان ۵۷ کشور اسلامی عضو سازمان کنفرانس اسلامی ۲۷ کشور از مجموعه کشورهای آفریقایی می‌باشند که عبارتند از:

«الجزایر - بنین - بوركینافاسو - کامرون - چاد - کومور - جیبوتی - مصر - گابن - گامبیا - گینه - گینه‌بیسائو - لیبی - مالی - موریتانی - مغرب - موزامبیک - نیجر - نیجریه - سنگال - سیرالئون - سومالی - سودان - توگو - تونس - اوگاندا - ساحل عاج».

هم اینک "جمهوری آفریقای مرکزی" بعنوان کشور عضو ناظر و "اتحادیه آفریقا" بعنوان سازمان بین‌المللی عضو ناظر در سازمان کنفرانس اسلامی هستند و در نشستها و اجلاسهای سازمان حضور دارند.

کشور آفریقایی "لیبریا" نیز چندین بار درخواست عضویت در سازمان کنفرانس اسلامی بصورت عضو دائم را به دبیرخانه سازمان ارائه کرده است، لیکن با توجه به عدم وجود شرایط عضویت در سازمان، درخواست این کشور رد شده است. در این رابطه سازمان کنفرانس اسلامی نشستهایی را با حضور کارشناسان دولتی کشورهای عضو برای بررسی معیارهای عضویت در سازمان برگزار نموده است.

### نکات عمده مندرج در آئین نامه مصوب اجلاس ۲۷ وزراء امور خارجه برای احراز شرایط عضویت کامل در سازمان کنفرانس اسلامی به شرح زیر است:

۱. کشور متقاضی می باید درخواست کتبی مبنی بر تمایل به عضویت کامل در سازمان و عزم خود در تصویب منشور آن را به دبیرکل تسلیم نماید،
  ۲. این درخواست می باید حداقل ۹۰ روز قبل از اجلاس عادی وزرای امور خارجه به همراه متنی با توضیحات زیر به دبیرکل تسلیم شود:
- الف: اینکه آیا قانون اساسی کشور متقاضی، اسلام را بعنوان دین رسمی معرفی و تعیین نموده است؟
- ب: میزان اجرای شریعت اسلامی توسط کشور متقاضی و یا مورد توجه قرار گرفتن شریعت به عنوان یک منبع و ماخذ در قانونگذاری،
- ت: نسبت تعداد مسلمانان به جمعیت کل آن کشور و نسبت مسلمانان به کلیه اعتقادات دیگر،

ث: ارائه اطلاعات پیرامون وضعیت جمعیت های اسلامی آن کشور و قوانینی که شامل آنان می گردد و نیز میزان بهره مندی مسلمانان از حقوقشان با امکانات و موقعیت یکسان با بقیه گروهها در کشور،

ج: کشور متقاضی نباید موضوع قطعنامه ای باشد که آن کشور را بدلیل سیاستها و اعمالش در برابر جوامع مسلمان تحت کنترل آن کشور محکوم می نماید.

۳. دبیرخانه موظف است درخواست دریافت شده را به همراه نظریه ظرف ۳۰ روز به کشورهای عضو ارسال نماید،

۴. کشور درخواست کننده پس از موافقت وزرای امور خارجه از روزی که اسناد تصویب نهائی منشور سازمان را به دبیرخانه ارائه دهد از حقوق عضویت برخوردار می شود.<sup>(۵)</sup>

### درخواست عضویت کشور لیبیا

- سفارت جمهوری لیبیا در ریاض، طی یادداشتی به دبیرخانه سازمان کنفرانس اسلامی با استناد به سه مورد ذیل درخواست عضویت کشور متبوع خود را در سازمان کنفرانس اسلامی مطرح نمود:

۱- جمهوری لیبیا همانگونه که در قانون اساسی آن کشور تصریح شده است نه یک کشور اسلامی و نه مسیحی است.

۲- جمعیت لیبیا قبل از جنگ داخلی حدود سه میلیون نفر تخمین زده میشود که مسلمانان ۴۰ درصد آن را تشکیل میدهند.

- مطابق با مفاد قانون اساسی (فصل ۳، مواد ۱۱ الی ۱۸) جمهوری لیبیا، موافقت با اعطای حقوق و مزایای خاص برای جامعه ای معین در زمینه مذاهب را مجاز



ندانسته است، و این بدان جهت است که قانون اساسی این کشور، فرصتها و پشتیبانی یکسانی را برای جمعیت‌های مختلف اعطا نماید.

### نظر دبیرخانه سازمان در مورد درخواست لیبریا برای اعطای عضویت کامل

- دبیرخانه سازمان کنفرانس اسلامی نیز ضمن مخالفت تلویحی با عضویت این کشور در سازمان، با ارسال یادداشت به کشورهای عضو، با اشاره به درخواست جمهوری لیبریا جهت عضویت در سازمان، توضیحاتی در مورد عدم امکان پذیرش درخواست عضویت این کشور ارائه نمود.

طبق ماده ۸ منشور سازمان، جهت عضویت در سازمان وجود سه شرط زیر باید احراز گردد:

۱- کشور متقاضی بایستی «کشور مسلمان» باشد،

۲- کشور متقاضی درخواست عضویت را تسلیم نماید،

۳- درخواست یادشده بایستی در اجلاس وزرا خارجه تصویب شود،

- شروط ۲ و ۳ مشکلی بوجود نمی آورد. اما مساله مهم کاربرد عنوان «مسلمان» برای کشور متقاضی است که موضوع بحث گروه کارشناسان برای بررسی ضوابط و معیارهای پذیرش اعضای جدید سازمان بوده است. گروه کارشناسان اثبات وجود یک یا چند مورد از معیارهای عضویت مصوب اجلاس وزرای خارجه (فسوق الاشاره) را ضروری می دانند.

اطلاعات دریافتی از لیبریا با عنایت به قانون اساسی آن کشور صریحا بیان میدارد که این کشور نه مسلمان و نه یک کشور مسیحی است. طبق آخرین آمار رسمی درصد مسلمانان در این کشور ۴۰ درصد کل جمعیت آن است. همچنین این اطلاعات حاکی از آنست که قانون اساسی لیبریا از جامعه ای با حقوق یا مزایای ویژه بر مبنای

مذهبی که، مردم براساس موقعیت، کسب حمایت و برخورداری از حقوق یکسان آنرا دارا میباشند، حمایت نمیکند.

### توضیحات دبیرخانه در مورد مخالفت با عضویت دائم لیبیا در سازمان

اطلاعات دریافتی از سفارت لیبیا در ریاض، اطلاق عنوان: "کشور مسلمان" به لیبیا را نفی می نماید و اینکه این عنوان برای آن کشور کاربرد ندارد و حال آنکه این نکته برای عضویت در سازمان یک معیار اساسی محسوب می گردد.

در رابطه با برتری درصدی جمعیت مسلمانان بر جوامع مذهبی دیگر کشور متقاضی، در یادداشت آن کشور، درصد مسلمانان به کل جمعیت، ۴۰ درصد ذکر شده است و درصد سایر جوامع ذکر نگردیده است. بعضی منابع، درصد فوق را فقط ۲۰ درصد برای مسلمانان، مسیحیان ۱۰ درصد و مجموع دیگر مذاهب، همچنین اعتقادات سنتی را ۷۰ درصد اعلام نموده اند.

چنانچه درصد رسمی مسلمانان (۴۰٪) را بپذیریم بنابراین درصد عقاید سنتی به ۵۰ درصد کاهش مییابد و جمعیت مسیحیان ۱۰ درصد باقی میماند، لذا درصد مسلمانان بالاترین درصد نخواهد بود و معیار برتری جمعیت مسلمانان، در خصوص لیبیا کاربردی نخواهد داشت.

دبیرخانه با استناد به موارد ذکر شده براین عقیده است که معیار مشروعیت در مورد کشور لیبیا کاربرد ندارد. با این وجود، درخواست عضویت لیبیا در اجلاسهای بعدی وزراء خارجه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در اجلاس ۲۸ وزرای امور خارجه کشورهای عضو OIC در باماکو، درخواست عضویت کامل ساحل عاج (کشورناظر در حال حاضر) مورد بررسی قرار گرفت و بدون در نظر گرفتن معیارهای یادشده و به عنوان موردی کاملاً

استثنایی و غیرقابل تکرار از نظر وزراء خارجه، این کشور بعنوان پنجاه و هفتمین کشور عضو سازمان پذیرفته شد، و حسب گزارشات، در اولین فرصت با پرداخت وجه لازم، به سهامداران بانک توسعه اسلامی پیوسته است.

در جریان اجلاس دهم سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در کوالالامپور - مالزی (مهرماه ۱۳۸۲)، کشور میزبان از رؤسای جمهور آفریقای جنوبی و غنا بعنوان میهمان دعوت بعمل آورد.

آفریقای جنوبی نیز درخواست عضویت ناظر در سازمان را دارد و این درخواست تحت بررسی است.<sup>(۶)</sup>

### «دهمین اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی»

(کوالالامپور - مالزی ۲۶-۲۵ مهر ماه ۱۳۸۲)

دهمین اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی بریاست مالزی کشور میزبان، مالی، یمن، فلسطین معاونین رئیس و قطر بعنوان گزارشگر اجلاس در فاصله ۱۹ لغایت ۲۶ مهرماه ۱۳۸۲ در شهر جدید پوتراجایا، پایتخت سیاسی و اداری مالزی با شعار «دانش، اخلاق، وحدت و عزت برای پیشرفت امت اسلامی» برگزار شد.

در نشستهای کارشناسی و وزرای خارجه، در سه کمیته مجزای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کلیه موضوعات مندرج در دستور کار پس از بحث و بررسی در اجلاس سران مورد تصویب قرار گرفت و در پایان، بیانیه نهائی و نیز بیانیه پوتراجایا صادر گردید. از جمله مهمترین موضوعات مورد بحث پیش نویس قطعنامه مربوط به سوریه و محکومیت حملات اخیر صهیونیستی به این کشور، فلسطین، وضعیت در عراق، تجدید ساختار سازمان، پیش نویس ارائه شده از سوی هیئت جمهوری اسلامی در مورد بررسی و

منطقی ساختن دستور کار و قطعنامه های سازمان و قطعنامه عربستان سعودی راجع به محکومیت تبلیغات و رسانه های مغرض غربی در خصوص حجم وسیع اتهامات وارده به این کشور بود.

با تلاش هیئت جمهوری اسلامی ایران و انجام رایزنیهای مربوطه محکومیت رژیم ساقط شده عراق و جنایت‌های مرتکب شده این رژیم بر علیه مردم بیگناه ایران، برای نخستین بار در اسناد سازمان کنفرانس اسلامی و در بیانیه پایانی اجلاس که از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، درج گردید.

همچنین از جمله موضوعات مهم مندرج در بیانیه پایانی اجلاس سران تاکید اجلاس بر حق مسلم کشورها برای توسعه انرژی هسته ای برای مقاصد صلح آمیز می باشد. در این رابطه از افزایش همکاری جمهوری اسلامی ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی استقبال بعمل آمد. همچنین از کشورها دعوت بعمل آمد به مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای تعیین چارچوب همکاری، در مشورت با ایران و بمنظور پایان دادن به تمام موضوعات مهم یاری رسانند.

کلیه موضوعات دستور کار که در اجلاس سی ام وزرای خارجه سازمان در تهران (۹-۷ خرداد ۱۳۸۲) به تصویب رسیده بود، در این اجلاس بدون بحث یا بررسی دوباره که در اجلاسهای پیشین سران انجام می شد تماما به تصویب رسید که این امر حاکی از اعتبار بالای اجلاس تهران بود.

حضور آقای خاتمی رئیس جمهور در مالزی و در اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی، درخشش و اعتبار خاصی را در میان همه شرکت کنندگان در اجلاس ایجاد کرده بود. سخنان جناب آقای خاتمی خصوصا در مورد فراهم آوردن ساز و کار مقتضی از سوی

سازمان کنفرانس اسلامی در خصوص فعالیتهای صلح آمیز هسته‌ای کشورهای اسلامی و حمایت و دفاع از آنها مورد تشویق هیئتها و حضار در اجلاس قرار گرفت.

مالزی ضمن اینکه ریاست جنبش عدم تعهد را برای مدت ۳ سال بعهدہ خواهد داشت، ریاست سازمان کنفرانس اسلامی را نیز برای ۳ سال عهده دار خواهد بود و تلاش خواهد کرد جایگاه خود را در عرصه بین‌المللی و در جهان اسلام ارتقاء بخشد.

”با نامزدی سنگال و اجماع حاصله، اجلاس بیازدهم سران کشورهای عضو کنفرانس اسلامی در سال ۲۰۰۶، در کشور سنگال تعیین گردید.“

سنگال از جمله کشورهای آفریقائی است که در سازمان کنفرانس اسلامی از سابقه فعالیت و نقش عمده ای برخوردار است و در نشستها و اجلاسهای سازمان بسیار فعال و به نوعی هدایت کننده مواضع سایر هیئتهای آفریقائی بوده است. این کشور بعنوان میزبان و رئیس اجلاس آتی سران OIC انتخاب گردید و تلاش خواهد نمود در جایگاه یک کشور آفریقائی مسلمان عضو سازمان، در راستای ارتقاء نقش خود در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، سازمان کنفرانس اسلامی و در میان کشورهای اسلامی گام بردارد.

### ”سازمان کنفرانس اسلامی و چشم انداز آینده“

در حال حاضر، اهمیت و برجستگی سازمان کنفرانس اسلامی، بعنوان تنها مرجع بین‌المللی که کشورهای اسلامی را گرد هم آورده، بخاطر اهمیتی است که اسلام و مسلمانان در این برهه یافته اند. اسلام واقعیتی جهانی با تاثیرات جهان شمول و ضد تجاوز، ضد ظلم و ضد استعمار است و از این جهت نزد قدرتهای مخالف اسلام، رقیبی نیرومند در عرصه جهانی محسوب می گردد.

امروز مسلمانان با خودآگاهی افزونتر سیاسی و فرهنگی و با الهام از پیشینه پر فروغ تاریخی خود، خواستار جایگاهی شایسته در نظام بین‌المللی و مشارکت بیشتر در نظامهای اجتماعی می‌باشند و جهان نمی‌تواند خود را از مشارکت این سرمایه عظیم معنوی و مادی محروم کند. با اینهمه واقعیت تاسف‌انگیز اینست که جهان اسلام و مسلمانان همچنان در معرض تهاجم بیگانه و مشکلات و مسائل مختلف مبتلابه آنان است. تلاش قدرتهای متجاوز برای مخدوش نمودن چهره مسلمانان و وارد آوردن اتهام به بهانه نقض حقوق بشر، مبارزه علیه تروریسم، موضوع ایجاد دموکراسی و نیز مشکلات ناشی از نارسائیهای اقتصادی، فرهنگی و آموزشی در جوامع اسلامی خصوصا در کشورهای آفریقائی که موضوع اصلی این بحث است، همگی ایفای نقش سازمان کنفرانس اسلامی و کشورهای عضو آنرا در این راستا برجسته تر و پر اهمیت‌تر می‌نمایند. اغلب کشورهای آفریقائی همچنان درگیر منازعات مرزی و قبیله‌ای، افزایش فقر اقتصادی و سوء بهداشت می‌باشند و نظر به اینکه از نظر ساختار اقتصادی به کشورهای استعمارگر سابق وابسته‌اند، از نظر توسعه اقتصادی در سطح نازلی قرار دارند. در این رابطه جای امیدواریست که مجموعه کشورهای آفریقائی عضو سازمان کنفرانس اسلامی (کشورهایی چون مصر، سنگال، الجزایر، لیبی، نیجریه و مراکش)، توانائی این را دارند تا با استفاده از منابع خود و بهره‌گیری از امکانات سازمان کنفرانس اسلامی و دیگر کشورهای عضو آن، بعنوان قطب مرکزی توسعه بین کشورهای آفریقائی نقش عمده‌ای را در رشد فزاینده صنعتی آنان ایفا نمایند.

در حال حاضر موضوعی که بیش از هر عامل دیگری در جهت تامین منافع امت اسلامی و رفاه و پیشرفت کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی و دگرگونی ساختار این سازمان بعنوان امری لازم و ضروری در این برهه حساس، نقش اساسی و اصلی را

بازی می‌کند، اراده سیاسی کشورهای عضو و همسویی اهداف و استراتژی ملی با اهداف تعیین شده برای سازمان است.

عدم همسویی منافع ملی کشورها با یکدیگر منجر به خنثی شدن هر گونه تحرک برای پیشبرد اهداف سازمان گردیده و رقابت‌های درون سازمانی مانع از یکپارچگی و وحدت رویه در زمینه مسائل مختلف شده است.

کشورهای عضو اگرچه از نقطه نظر اشتراک دین همسو هستند لیکن بدلائل مختلف جغرافیائی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در سطوح گوناگونی قرار گرفته و عدم انسجام ملموسی درون آنها بچشم می‌خورد.

کشورهای عضو باید به این باور برسند که اقتدار و توانمندی تک تک اعضاء بایستی از طریق همکاری و مشارکت نزدیک آنها با یکدیگر و در قالب سازمان کنفرانس اسلامی تحقق یابد و مهمترین عامل موفقیت سازمان، همراهی و هماهنگی کلیه کشورهای عضو و مشارکت جدی و موثر آنها در تصمیم‌گیریها و جامه عمل پوشانیدن به مصوبات و تصمیمات است. مشکلات فراوانی پیش روی امت اسلامی است لکن فروغ و تالو چشم اندازه‌های امید بخش بسیاری، کشورهای اسلامی را به حل این دشواریها فرا میخواند. کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی از امکانات و توانمندی‌های قابل توجهی در کلیه زمینه‌ها برخوردار بوده و در صورت بهره‌برداری صحیح و بموقع از این امکانات قادر خواهند بود به جایگاه واقعی خود در نظام بین‌المللی دست یافته و در روند تحولات بین‌المللی نقشی متناسب با توانمندی خود ایفا نمایند.<sup>(۷)</sup>

## منابع:

- ۱- کتاب تاریخ آفریقا، نوشته بزیل دیوید سن،
- ۲- منشور سازمان کنفرانس اسلامی و اسناد دبیرخانه سازمان کنفرانس اسلامی
- ۳- کتاب ارزیابی دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران بر OIC،
- ۴- گزارش سالیانه بانک توسعه اسلامی، کتاب هشتمین اجلاس سران OIC،
- ۵- اسناد اجلاس بیست و هفت وزرای امور خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی
- ۶- اسناد دبیرخانه سازمان کنفرانس اسلامی،
- ۷- مجموعه گزارشات و اسناد حاصل از شرکت نگارنده مقاله در اجلاسها و نشستهای سازمان کنفرانس اسلامی.

